

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش - 19 بهمن / 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوش آمد عرض میکنم به شما عزیزان و خرسندم از دیدن چهره های جوان و پرنشاط شما مجموعه ی پرارزش نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران.

حتماً همه ی ما - هم من، هم شما - باید سپاسگزار باشیم از کسانی که روز 19 بهمن را با عمل خودشان - نه با زبان، نه با قرارداد - با اقدام خودشان، با عزم خودشان به وجود آوردند و ماندگار کردند. وقتی يك اقدامی، خالص، صحیح، متکی بر اندیشه ی درست و سرشار از اخلاص انجام میگیرد، خاصیت آن، ماندگاری است. خیلی از کارهای نمایشی را ما ممکن است انجام بدهیم؛ بعضی کارهای دستوری را ممکن است ما انجام بدهیم که در آن اخلاص کافی وجود نداشته باشد؛ گذشت زمان آنها را محو میکند، نابود میکند؛ لیکن قضیه ی 19 بهمن از این جمله نبود؛ از جمله ی حوادثی بود که از دل ایمان و اخلاص و عزم راسخ جوشید. در آن شرایط، درست است که تا پیروزی قطعی انقلاب چند روزی بیشتر نبود، اما هیچکس نمیتوانست پیش بینی کند که 19 بهمن، يك 22 بهمنی هم در پی خواهد داشت. پیش بینی قطعی نمیشد کرد؛ کار خطرناکی بود. عزم راسخ آن جوانان که جوانهایی بودند شبیه شما، این بود که آمدند ایمان خودشان، عزم خودشان، پیوستگی خودشان با ملت و درک و تشخیص صحیح خودشان از عمق حادثه ای را که داشت اتفاق می افتاد، با عمل خودشان نشان دادند. البته خطرناک هم بود، اما اقدام کردند و 19 بهمن ماندگار شد.

این حادثه، يك حادثه ی دفعی نبود. نیروی هوایی با این کار يك جوهره ای را از خودش نشان داد؛ این جوهره در جنگ هم آشکار شد؛ هم بخش آفندی، هم بخش پدافندی. در دفاع هشت ساله، در آن وقتی که ملت ایران احساس میکرد کآته حصارهای امنیت پیرامون او وجود ندارد و دشمنان بدون هیچ بیم و واژه ای می آمدند و بمباران میکردند؛ تهاجم میکردند، نیروی هوایی آن جوهره را نشان داد. بهترین، اولین، درخشان ترین، آبروبخش ترین حرکات ارتش جمهوری اسلامی در آغاز جنگ تحمیلی، کارهای نیروی هوایی بود؛ این ادامه ی همان جوهره بود. و الان هم همین جور است.

مهم این است که يك انسان، يك مجموعه، ارزیابی و فهم درستی از تحولاتی که پیرامون او انجام میگیرد، داشته باشد. از حرکتی که به خیلی از چشمها نمی آید، بینایان و افراد بصیر آن را میفهمند که در حال انجام گرفتن است؛ این خیلی مهم است. تحولی که در انقلاب اسلامی واقع شد، از این قبیل بود. بعضی آن را نفهمیدند؛ تشخیص ندادند. بعضی آن را با يك حرکت کور که اشباه و نظائرش در خیلی از نقاط دنیا اتفاق میافتد، اشتباه گرفتند؛ آن جوری با آن رفتار کردند. بعضی کاسه های طمع خودشان را درآوردند تا از این حادثه، به نفع شخصی خود استفاده ای نکنند. این ها همه ناشی از کوتاه بینی بود. انقلاب در درجه ی اول تحولی در جامعه ی ایرانی بود و در درجه ی بعد، در مجموعه ی امت اسلامی و سپس، در معادلات کلان جهان سیاست. و جغرافیای قدرت را در دنیا - بخصوص در برخی از مناطق دنیا - بکلی عوض و جابه جا کرد. يك چنین حادثه ی عظیمی بود. امروز این عظمت دارد نشانه های خودش را نشان میدهد. تحولی که در ایران رخ میداد، این بود که يك نظام بسته ی استبدادی و ظالم و زورگو، با سردمداران و رؤسائی دنیاطلب، شهوتران، به فکر خود، غافل از انسانیت و انسانها، و از سوئی وابسته، اسیر سیاستهای دیگران و مطیع ناگزیر قدرتهای سلطه گر از چنین وضعی بیرون بیاورند. تحول اساسی، این بود. و به يك جامعه ی رشید، آگاه، دارای عزم راسخ، با مردمی دارای قدرت انتخاب و حق انتخاب، با سربلندی و عزت در میان جامعه ی بشری و اثرگذار بر روی جوامع دیگر تبدیل کنند. تحول اصلی، این بود و این تحول، اتفاق افتاد.

امروز شما می بینید، میشنوید، میخوانید که در مسائل گوناگون این منطقه، همه ی قدرتهای جهانی عقیده دارند که حضور ایران، وجود ایران، رأی ایران تعیین کننده است. این را دشمنان درجه يك ما هم، دارند میگویند که برای حل

مسائل خاورمیانه یا مجموعه ی کشورهای این منطقه، بدون حضور ایران هیچ تصمیمی قابل گرفتن و قابل عمل شدن نیست. این کجا و آن وضعیت کجا که کشور بزرگ ایران با آن تاریخ، با آن میراث عظیم تاریخی گذشته اش، با آن مردم، مجموعاً يك مهره ای باشد در دست سلطه گران و استعمارگران که هر جور میخواهند جا به جایش کنند، از او استفاده کنند، از او بهره ببرند؛ مردم هم به حساب نیایند. از لحاظ اقتصادی هم منابع کشور در اختیار آنها؛ نفت کشور، امکانات گوناگون کانی، امکانات گوناگون انسانی، وضعیت سوق الجیشی، همه در اختیار دیگران بود تا هر جور که میخواهند از آن استفاده کنند. این تحول عظیم، این بود.

البته این تحول، معانی دیگری هم دارد. ملتی که این اراده را دارد، این قدرت را دارد که يك چنین نظام سیاسی ای را به يك نظام مطلوب و مردمی متحول کند، در کار اقتصاد خود، در کار عمق دادن و گسترش دادن به فرهنگ خود، در راه اخلاق انسانی خود، در راه پیاده کردن عقاید قلبی خود، موفقیت‌های ناگزیری حتماً خواهد داشت، که داشت. این، آن تحول عظیم بود که عده ای آن را نفهمیدند، عده ای هنوز هم نمیفهمند.

قدرتهای بزرگ - که هدفشان جز قهر و سیطره ی بر ملتها نیست - حاضر نیستند بفهمند که وقتی يك ملت بیدار شد، وقتی يك ملت ارزش عزم و اراده ی خودش را فهمید، وقتی يك ملت دانست که اگر بخواهد و تصمیم بگیرد و عمل بکند، هیچ قدرتی در مقابل او نمیتواند بایستد، با يك چنین ملتی دیگر نمیشود درافتاد. ممکن است هزینه هائی را بر این ملت تحمیل کنند؛ اما تسلط بر آن ملت دیگر ممکن نیست؛ به بردگی کشیدن آن ملت دیگر ممکن نیست؛ تحمیل کردن عقاید خود و خواست خود بر آن ملت دیگر ممکن نیست. این را هنوز هم قدرتهای بزرگ نمیتوانند بفهمند.

سی سال از آغاز این تحول عظیم دارد میگذرد؛ انواع و اقسام شگردها را دشمنان ملت ایران و دشمنان نظام جمهوری اسلامی به کار زدند، شاید بتوانند مجدداً آن ملت را مقهور کنند؛ آن سلطه ی جهنمی ای را که بر ایران عزیز ده ها سال داشتند و حاضر نبودند از او دست بردارند، شاید بتوانند آن سلطه را دوباره برگردانند. امروز چالش نظام جمهوری اسلامی با دشمنان قدرتمند جهانی اش بر سر این قضیه است. مسئله ی انرژی هسته ای و مسئله ی ساخت موشک و این حرفها بهانه است. مسئله، مسئله ی دیگری است. مسئله این است که يك ملت توانسته است با قهر و غلبه، با عزم و اراده، سلطه ی قهرآمیز دیگران را از خودش دفع کند. اما اینها میخواهند تلاش کنند این سلطه را برگردانند. البته نتوانستند، بعد از این هم نمیتوانند.

از دل انواع و اقسام تحریمهائی که سالهای متمادی است بر کشور ما تحمیل کرده اند، ناگهان «ماهواره ی امید» بیرون می آید و به فضا پرتاب میشود. از دل همه ی سختگیریهائی که انجام دادند، ناگهان توانائی غنی کردن اورانیوم - که يك کار محدود و محصور است و در دست، ملك طلق قدرتهای بزرگ است و بدون اجازه ی آنها هیچ جا نباید برود - در این کشور رشد میکند و جان میگیرد و خودش را نشان میدهد. این نشان دهنده ی این است که دشمن نتوانسته، تحریم او هم اثر ندارد، تهدید او هم اثر ندارد. چرا؟ چون این ملت عزم راسخ خود را که متکی به آن ایمان عمیق هست، حفظ کرده است و حرکت میکند و پیش میرود؛ و نمیتوانند.

در حالی که دستگاههای تبلیغاتی مجهز فوق مدرن متعلق به این قدرتها، امروز شب و روز علیه نظام اسلامی و حرکت اسلامی و جمهوری اسلامی دارند تبلیغ میکنند، گسترش این فکر، حادثه ی غزه را به وجود می آورد؛ يك مجموعه ی کوچک، يك سرزمین محدود، در مقابل يك دولتی که خود را یکی از چند قدرت نظامی درجه ی اول دنیا میداند، می ایستد. آن دشمن همه ی امکاناتش را وارد میدان میکند که بتواند این ملت را مقهور کند و نمیتواند. این حادثه ی کوچکی است؟! این چیز کمی است؟! قبل از آن، قضایای لبنان در دو سال قبل بود، که باز همه ی امکانات را به کار بردند و حتی آمریکائی ها به رژیم صهیونیستی کمک تسلیحاتی کردند. که او خودش سازنده ی بمب اتم است و صادر کننده ی تجهیزات نظامی است، باز آمریکائی ها به او تجهیزات دادند برای اینکه بتواند بر يك عده جوان مؤمن و عازم - که دفاع میکردند - غلبه پیدا کند و نتوانستند؛ در جنگ سی و سه روزه. اینها کوچک است؟! اینها همان نقاطی است که جغرافیای قدرت را در دنیا تغییر داده. شکل نظام غیر عادلانه ی جهانی را که دنیا را به

سلطه گر و سلطه پذیر تقسیم میکنند، تغییر داده. دنیا بعد از قرن هفدهم و هجدهم میلادی که پدیده ی استعمار به وجود آمد، عادت کرده بود که چند تا دولت معدود و محدودی، سرنوشت کشورهای دنیا - دولتها، ملتها - را با انکاء به قدرت نظامی خودشان، نه با اتکاء به قدرت اخلاقی، در دست داشته باشند. يك وقت هست يك دولتی به خاطر قوت فکرش، به خاطر جوشش اخلاقی اش، به طور طبیعی در بین يك مجموعه ای از ملتها یا دولتها نفوذ پیدا میکند ؛ اما نفوذ استعمار این جوری نبود. نفوذ استعمار، نفوذ قهرآمیز بود، به خاطر قدرت نظامی بود، با زور سرنیزه بود. دنیا عادت کرده بود يك عده ای این سرنیزه را داشته باشند و اکثریت دولتها و ملتهای دنیا هم در مقابل اینها تسلیم باشند ؛ آن وقت بسته به زرنگی خودشان، از میان این تسلیم شده ها، يك عده ای نان و نوای بهتری داشته باشند ؛ يك عده ای نه، حتی همان نان و نوا را هم نداشته باشند. مثل غلامان و بردگان يك ارباب که بعضی حالا يك لقمه ای، نواله ای هم گیرشان می آید ؛ بعضی نه، برده هم هستند و گرسنگی هم میکشند.

این عادت با انقلاب اسلامی از سر دنیا رفت. معلوم شد نخیر، قدرتهای سلطه گر دنیا حرفشان حرف آخر نیست. حرف آخر را ملتها میزنند ؛ عزم ملتها و ایمان ملتهاست که حرف آخر را میزند. این را ملت ایران یاد داد. البته انقلاب در دنیا قبل از انقلاب اسلامی هم به وجود آمده است، لیکن هیچ انقلابی - در طول تاریخ انقلابها شما نگاه کنید ؛ از انقلاب کبیر فرانسه و قبل از او و بعد از او - نتوانسته اصول خودش را در طول دهه های متوالی حفظ کند ؛ آنچنانی که انقلاب اسلامی ایران این اصول را حفظ کرده است و در خط مستقیم خودش حرکت کرده ؛ تسلیم این و آن نشده ؛ راه خودش را مستقیم به سمت جلو رفته.

نسخه ی آینده همین است ؛ همه ی ملت ایران این را میدانند و باید بدانند و شما باید بدانید و میدانید. راه پیروزی نهائی و کامل ملت ایران این است که این خط مستقیم، خط ایمان ؛ ایمان به خدا، ایمان به خود، ایمان به قدرت ملی، اعتماد به نفس ملی و راه حرکت و مجاهدت در همه ی اشکالش ؛ مجاهدت علمی، مجاهدت عملی - و آنجائی که لازم است، مجاهدت نظامی - و ایمان و جهاد را از دست ندهند.

این که ملت ما در هر 22 بهمن با شور، با هیجان، با عزم راسخ، توی خیابانها می آیند و در این راهپیمائی عظیم شرکت میکنند و خودشان را نشان میدهند، يك حرکت نمادین از ایستادگی و استقامت ملت بر سر همین آرمانهاست. ملت، نشان میدهد که ما هستیم. لذا شما می بینید در طول این سی سال، 22 بهمن در زیر برف و سرمای شدید و بر روی زمینهای یخ بسته، در زیر آفتاب سوزان - در مناطقی که هوا گرم بوده است - انجام شده و مردم داخل این میدان راهپیمائیها، آمدند و حضور خودشان را حفظ کردند ؛ نگذاشتند 22 بهمن آن جلا و رونق خودش را از دست بدهد. امسال هم به توفیق الهی همین جور خواهد بود. ملت ایران باز هم می آیند، توی صحنه خودشان را نشان میدهند. و این دشمن را به معنای حقیقی کلمه در مقابل ملت ایران دچار احساس خسران میکند ؛ هم حضور در راهپیمائی این جور است، هم حضور در صحنه های گوناگون - این انتخاباتهای مختلف، آمدن مردم، حضور مردم، این نمایشهای عظیم علمی و فناوری - که خوشبختانه ملت ما پی در پی دارد اینها را نشان میدهد ؛ دائم این تلاش جوانهای ما بروز میکند و ظهور میکند که باید روز به روز هم بیشتر بشود.

شما در سهم خودتان، در مجموعه ی نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی، وظائف مشخص و تعریف شده ای دارید ؛ هم در قسمت اصلی نیروی هوائی، هم در قسمت پدافند هوائی، وظائف مهمی دارید. مهمترین وظیفه این است که انسان احساس کند باید خلأها را پُر کند. هر جا هستید، خلأهای تجهیزاتی، خلأهای سازمانی، خلأهای مدیریتی را پر کنید. وقتی يك مجموعه عزم پیشرفت دارد، منتظر نمیماند که از جائی به جائی برود، یا کسی به او چیزی بگوید. در همان عرصه ای که او مشغول کار است، نیازسنجی میکند و سعی میکند که آن نیاز را برطرف کند و وظیفه ی خودش را به نحو کامل انجام بدهد. این به توفیق الهی، به فضل الهی تاکنون در نیروی هوائی ارتش وجود داشته است، بعد از این هم وجود خواهد داشت. من نگاهم به چهره های جوان و مؤمن و باعزم و اراده ی نیروی هوائی وقتی می افتد، این را احساس میکنم ؛ از گزارشها و از اطلاعاتی هم که انسان دارد، این را میتواند بفهمد. یاد همه ی شهدای عزیز نیروی هوائی و ارتش جمهوری اسلامی و همچنین شهدای عزیز مجموعه های گوناگونی را که در این راه مجاهدت کردند و به شهادت رسیدند و جان خودشان را فدا کردند و این درخت تناور را آبیاری کردند،

گرامی میداریم و یاد امام عزیز بزرگوارمان را که سلسله جنبان این حرکت عظیم بوده است، گرامی میداریم. و از مسئولین محترم نیروی هوائی و از فعالان بخشهای مختلف و از مبتکران و کسانی که پایه ی این ابتکارها را در نیروی هوائی گذاشتند، تشکر میکنیم و امیدواریم که خدای متعال به شما روزافزون توفیق و عزم راسخ عنایت بکند تا بتوانید ان شاءالله نیرو و مجموعه ی ارتش و مجموعه ی نیروهای مسلح را به جایی برسانید که ملت ایران با حضور شما احساس کند که هیچ آسیبی از طرف دشمن او را تهدید نمیکند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته